اخبار

حسین‌محب‌اهری:

این روزها آمادگی حضور جلوی دوربین را دارم

حسین محب‌اهری گفت: متاسفانه به خاطر اینکه نمی‌دانستم جراحی پیوند مغز و استخوانم ۳ ماه به تعویق می‌افتد، هفته گذشته حضورم در سریالی را رد کردم اما باید بگویم الان می‌توانم در آن اثر بازی کنم. به گزارش فارس، «حسین محب‌اهری» بازیگر تلویزیون و سینما گفت: خدا را شکر این روزها خیلی بهترم و مشغول درمان‌های قبل از جراحی پیوند مغز و استخوان هستم. وی در همین زمینه ادامه داد: به دلیل اینکه عفونت ریه داشتم، دکترها جراحی پیوند را انجام ندادند چرا که هر پزشکی قبل از پیوند، باید عفونت همه نواحی بدن را بررسی کند و بعد جراحی را آغاز کند. بازیگر سریال «علی‌البدل» افزود: در همین مرحله در حال شیمی‌درمانی نیز هستم. فکر می‌کنم پزشک معالجم ۳ دوره شیمی‌درمانی را برایم تجویز کرده که فعلا یک دوره از آن را انجام دادم و باقی مراحل آن حدود ۲ ماه به طول می‌انجامد و در کنار آن اگر عفونت ریه برطرف شود، بعد از آزمایش‌های مربوط می‌توانم تحت جراحی پیوند مغز و استخوان قرار بگیرم. محب‌اهری با بیان اینکه در این مدت دوست دارم مشغول به کار باشم، افزود: ۲ روز در هفته صبح‌ها شیمی‌درمانی دارم و از ۱۵ دی‌ماه به بعد، بعدازظهرها مشغول بازی در تئاتر «شاهزاده خانم بد ترکیب» می‌شوم که دوره دوم اجرای آن در سالنی در زعفرانیه به نمایش در می‌آید.

■■■

مصطفی جمشیدی:

ماجرای زندگی شکنجه‌گر ساواک را در «تیغ و تاج» روایت کردم

نویسنده رمان «سمندر» گفت: رمان «تیغ و تاج» که درباره روند زندگی جهنمی یک شکنجه‌گر دوران ستمشاهی است تحویل ناشر شد. به گزارش فارس، مصطفی جمشیدی، از واگذاری آخرین رمانش به ناشر خبر داد و گفت: رمان «تیغ و تاج» که درباره روند زندگی جهنمی یک شکنجه‌گر دوران ستمشاهی است تحویل ناشر شد. وی افزود: این رمان در برگیرنده یک اتفاق معنادار برای یک بازجوی مست در کمیته مشترک شهربانی و ساواک است که آخرین انزارهای معنا محور به او ارائه و او از شنیدن این حوادث طفره می‌رود. نویسنده رمان «سمندر» گفت: «تیغ و تاج» همچنین رویکردی واقع‌گرایانه به نوع زندگی ستمگران داشته و از یک و چند رویداد مستند و شبه مستند بهره می‌گیرد. این رمان تسلط به دوران ستم و نحوه نگرش حاکمان را در بیدادگاه‌ها به تصویر می‌کشد. نگاه هستی‌شناسانه در کفر و ایمان شخصیت‌ها از دیگر مولفه‌های این رمان است.

■■■

یادی از احمد منزوی در نخستین سالگرد درگذشتش

به مناسبت یکمین سالگرد درگذشت کتابشناس نامدار شادروان استاد احمد منزوی مراسمی در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار می‌شود. به گزارش تسنیم، در این گردهمایی همچنین در راستای انتشار مجلد دوازدهم فهرستواره کتاب‌های فارسی با حضور پژوهشگران و استادان، درباره کوشش‌های کتابشناسانه آن شادروان سخنرانی خواهد شد. این مراسم از ساعت ۱۰ تا ۱۱:۳۰ روز یکشنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۹۵، در تالار امیرالمومنین مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی- اسلامی) برپا می‌شود. زنده‌یاد احمد منزوی متولد ۱۳۰۴ در شهر سامرا و فهرست‌نویس و محقق در حوزه علوم اسلامی بود. وی پسر دوم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، دانشمند و عالم شیعی و مؤلف کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه بود. استاد منزوی بابت نگارش فهرست نسخه‌های خطی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در ۲ جلد برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۵ شد.

■■■

«افخمی» فیلمی به زبان عربی می‌سازد

تازه‌ترین ساخته بهروز افخمی با موضوع دفاع مقدس به زبان عربی جلوی دوربین می‌رود. به گزارش فارس، بهروز افخمی کارگردان سینمای ایران در حال آماده‌سازی فیلمنامه با موضوع دفاع مقدس است. این فیلم به زبان عربی تولید می‌شود و مراحل پیش‌تولید طولانی را سپری می‌کند. فیلم افخمی داستانی را روایت می‌کند که مربوط به دهه ۶۰ است؛ داستانی که به اوج سال‌های دفاع‌مقدس بازمی‌گردد. موسسه فرهنگی و رسانه‌ای اوج تهیه این فیلم را برعهده دارد و احتمالا آماده‌سازی فیلمنامه تا بهمن‌ماه به طول خواهد انجامید.

نگاهی به مستند «ننا» ساخته محمدرضا وطن‌دوست از آثار جشنواره فیلم «سینما حقیقت»

از عمق هستی به جهان حقیقت

مرتضی اسماعیل‌دوست: تماشای مستند «ننا» در سومین روز از دهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند «سینما حقیقت» چنان شوقی برانگیخت که قلم در دست گرفته و از شرح حال نگاهی بنگارم که نشان از وصف رخ داده باشد؛ از این حیث که جدا از تجربیات شگفت‌انگیزی که محمدرضا وطن‌دوست، کارگردان این فیلم به لحاظ فرمی به مخاطب منتقل می‌کند فیلم «ننا» نمونه‌ای از ساخته‌های ساختارمندی است که روایتی مبتنی بر زبان بصری دارد و به درستی از نشانه‌های دیداری و شنیداری بهره برده است. این اثر که به طور کامل فاقد هرگونه دیالوگ، نریشن و زیرنویس است قاب‌های زیبا و چشم‌نوازی دارد که با زبانی شاعرانه داستان پردامنه هستی‌شناسی را بازگو می‌کند. در واقع فیلمساز با کنار هم قرار دادن یکسری نشانه‌های بصری در عین حال که زیبایی‌شناسی را در ترکیب‌بندی رنگ‌ها حفظ می‌کند و توازن نماها را با اتصال به مفهوم غریب زیستن پیوند می‌زند، روایت خود را تا انتها بدون پیچ و خم‌های ناهموار در ساختار روایی چنان پیش می‌برد که گویی نقاشی زبردست با قلم‌مویی خلاقانه قصه آفرینش را در تابلویی خوش آب و رنگ پیش‌روی‌مان قرار داده است. «ننا» ترکیبی است از عکاسی و نقاشی و موسیقی و سینما که در فرمی همگن و روایتی شناور پیش می‌رود، از این حیث که بسیاری از ساخته‌های اینچنینی تنها متکی به یکسری قاب‌های چشم‌نواز و زیبایی‌شناسانه می‌شوند و توان رساندن جزئیاتی بصری به روحی منسجم از فهم معنایی را در اختیار ندارند اما «ننا» می‌داند که چگونه کلیاتی هدفمند از دل جزئیاتی چشم‌نواز بسراید. از سویی آثاری که تهی از داده‌های گفتاری بوده و مبتنی بر روایتی بصری هستند دارای جزئیاتی نشانه‌شناسانه می‌شوند و در این بین همراه با آفت‌هایی چون نماهای شعارزده‌ای شده که این نشانه‌ها یا به شکل تصنعی از سوی فیلمساز برای ثبت در برابر دوربین کاشته شده یا اینکه پهلو به پیام‌های سیاسی زده یا با ادعای پیچیدگی به فریب مخاطب دست می‌زنند که مستند ساخته شده توسط وطن‌دوست از همه این سنگلاخ‌ها به سلامت گذر می‌کند و سرود آفرینش را به قابی از تولدی دوباره به انتها می‌رساند.

مستند «ننا» درباره تلاش کشاورزان برای کاشت محصول در شالیزار است اما فیلمساز از همین داستان یک خطی جست‌وجویی هستی‌شناسانه از دایره دوار زیستن می‌سازد، از تولد تا مرگ و دوباره زندگی که در این میان رنج‌های آدمی و دشواری‌های چگونه بودن است که گاه به شکل هیولایی سر برمی‌آورد و آدمی را تا قعر نیست شدن به مخاطره می‌کشاند و چه خوب فیلمساز از نشانه‌هایی چون مترسک ناظر در فضای شالیزار در نماهای ابتدایی و انتهایی فیلم استفاده می‌کند. مستند «ننا» آنگونه که در ابتدایش آمده است بدون استفاده از هرگونه جلوه‌های ویژه، قاب‌های منحصر به فردی می‌سازد که جزئی‌ترین نشانه در هر نما چنان با ظرافت تعبیه شده است که در عین اینکه برآمده از تبحر سازنده در عکاسی همچون چگونگی بهره‌مندی از سوژه‌های طبیعی و چینش زیبایی‌شناسانه و شکل انتخاب مناسب زوایا برای ثبت است، برآمده از فهم فیلمساز از سبک‌های نقاشی است و می‌توان رگه‌هایی از کوبیسم و امپرسیونیسم را در میان نماهای فیلم یافت.

وطن‌دوست با شناخت درست از منطقه جغرافیایی فیلم توانسته است طی تاملی هنرمندانه از تغییرات جوی و شرایط متغیر نوری که از طبیعت حادث می‌شود، قاب‌های مورد نظر خود را بیابد و چنان تصاویری را کشف کند که گویی دچار گرافیک رایانه‌ای شده است! مستند «ننا» درباره «هویت» است و رسیدن آدمی به مرز «بیخود شدن» و فیلمساز از طریق کشف فرم‌های روایی خلاقانه به سوال اساسی «از کجا آمده‌ام؟» پاسخ می‌دهد و با طی طریقی هوشمندانه از داستان موازی رشد محصول زراعی با سیر زیست آدمی چرخه هدفمند جهان آفرینش را نمایان می‌سازد؛ از عمق هستی به جهان حقیقت. و چه راز شگفتی دارد این جنین برآمده از آرزوها که در تنگنای حوادث و در گذر از مصایب جهان ماشینیسم، دم مسیحایی خود را به اهریمن نشسته در پرده نیستی وامی‌گذارد و «ننا» هشدار از چنین واقعه‌ای می‌دهد؛ هنگامی که در سکانس پیش از انتهای فیلم در روایتی غریبانه به تشییع پیکر انسانی دست می‌زند که در میان چرخ‌دنده‌های تکنولوژی له شده و سوگواره بر این مصیبت طی تصویری که شباهت به نمایی از فیلم بسیار درخشان «دشت گریان» آنجلوپلوس دارد، به نقش درمی‌آید. از این رو فیلم «ننا» در یکی دیگر از تفاسیر متعددی که از آن می‌توان برداشت کرد به جنگ سنت و مدرنیته پرداخته و مواضع انتقادی خود را نمایان می‌کند.

مستند «ننا» درباره زایش است؛ محصولی که به بار می‌نشیند و تولدی که رخ می‌دهد از دامان زمین که جوانه رویش از آن برمی‌خیزد و آب که مایه حیات است و «ننا» فیلمی است روایت شده از قابی رو به آب که با تصاویری به هم پیوسته شرح حال دوار بودن چرخه حیات دارد و سیری از نیستی و هستی را روایت می‌کند؛ همانند قابی زیبا که رو به چادری گرفته شده که پیرمرد و پیرزنی در داخل آن چای می‌نوشند و شکلی از رحم مادرانه دارد تا تصویری از گهواره کودکی که در کنار شالیزار به حرکت درمی‌آید؛ از رویش یک ساقه در درون زمین تا خلق حباب از افتادن یک سنگ در درون آب؛ از جان یافتن جلبک‌ها تا برآمدن آفتاب، از پیوند مهر مادری به مهر زمین و از عشق که از دل زمین می‌روید و رو به آسمان دارد.

فیلم «ننا» روایتی هستی‌شناسانه از معرفت وجودی است و در آن می‌توان رگه‌هایی از عرفان و فلسفه مشرق زمین را یافت و اندیشه‌های سهروردی و ملاصدرا را در باب زبان عارفانه و شعر صوفیانه ردیابی کرد. از سویی فیلم نظر به تمثیل غارگونگی جهان از منظر افلاطون در کتاب «جمهور» دارد. «ننا» در عین حال راهی به سوی ناتورالیسم می‌گشاید و نیز هراس از دست دادن را نمایان می‌کند؛ واهمه‌ای همیشگی در وجود آدمی مبنی بر گمگشتگی عشق، غم تنهایی، رنج بودن، درد گناه و راز رفتن. تماشای مستند «ننا» که نیاز به تحلیل‌های گسترده‌ای دارد این امید را در دل مشتاق جوانه می‌زند که هنوز در میان امواج هیاهوی بی‌هنران می‌توان نفس‌های هنر را شنید و این سهم ارزشمندی است.

شعر

یادداشتی بر مجموعه «دارم خجالت می‌کشم از اینکه انسانم» از مرتضی امیری‌اسفندقه

خطاب به «پیمبران دروغین عصر آزادی»

«...چه مارهای سیاهی به روی شانه غرب
به بوی بوسه ابلیس نفت می‌روید
نگاه کن!
دیدی!
ببین سگان شکاری چگونه می‌تازند
ببین چگونه گدایان معتبر دارند
برای غارت همسایه نقشه می‌ریزند
بزرگ تازه به دوران رسیدگان گدا
ببین چگونه در اندازه‌های یک ماموت
خطابه‌می‌خوانند...»
(«روایت‌واره خطابه» ص۳۲)

***

نیلوفر بختیاری: «دارم خجالت می‌کشم از اینکه انسانم!» مجموعه‌ای است شامل نیمایی‌ها و چند غزل و قصیده از مرتضی امیری‌اسفندقه. این اشعار که در سال ۹۲ توسط انتشارات شهرستان ادب منتشر شده است، به ظاهر در سوگ فاجعه و جنگ رخ داده در عراق سروده شده‌اند اما در اصل به نیت ابراز بیزاری از ابرقدرت‌هایی هستند که شاعر آنان را «خدایگان گرسنه» و «میران دروغین»ی می‌نامد که «برای غارت همسایه نقشه می‌ریزند». مسلما از ویژگی‌های شاعر سرعت برانگیختگی است و طبیعی به نظر می‌رسد که شاعر این مجموعه با دیدن قتل‌عام و انتحار تدریجی جهان، بی‌طاقت شود و فریاد خطابه سر دهد. حتی اگر شاعران دیگر خاموش باشند و به وصف طبیعت و معشوقان خیالی دل‌مشغول! بنابراین خطاب شاعر اینجا با گرسنگان قدرت نیست، بلکه به شاعران خاموشی گزیده زمان نهیب می‌زند که به رغم دیدن چهره خونین زمین، هنوز سکوتشان نشکسته است و فقط در شعر خود «کشته‌مرده سبک و سیاق نو» هستند اما بهای آن را با فریادهای دادخواهانه‌ای چون فریادهای امثال نیمایوشیج‌هانپرداخته‌اند:

«سرآمدان صدا
چه شد که چاپ نکردید شعرهاتان را؟
چرا نگفت یکی از شما در این بلوا
در این بلیّه طوفانی
«ای آدم‌ها...»
(روایت‌واره خطابه، ص ۳۰)

و شاید یکی از زیباترین و تکان‌دهنده‌ترین اشعار این مجموعه همین «روایت‌واره خطابه» باشد که به جانسوزترین فجایع بشری آمریکا در حق مردم همسایه (عراق) اشاره می‌کند. همان همنوعانی که شاعر در شعر «سوگانه» در همین مجموعه، مانند شمع از غربتشان می‌سوزد، به‌رغم آنکه می‌داند روزی دستان آنها به خون برادران ایرانی او آلوده شده است:

«زمین‌بمیردتان
زندگی‌بمیردتان
یکی نبود بگوید
گناه آهو چیست؟
شغال و گرگ اگر در کمین روباه‌اند
دلم برای شما مثل شمع می‌سوزد
شما که دست پدرهاتان
خضاب کرده خون برادران من است»
(روایت‌واره سوگانه، ص۱۴)

امیری‌اسفندقه در بیان ماهیت آمریکا، بیان خود را از حالت خنثی و استعاره خارج می‌کند تا تیر غیب شعر خود را مستقیم به هدف پرتاب کند:

«اینان که از آن سوی خشکی‌های دنیا
از سرزمینی که به ناگاه
چون قارچ سر برکرده
اینجارسیدند
قانون و قاموسی به غیر «من» ندارند
هزل است و هزالی
این نطق‌های شوم
این خطبه‌های مسخره
مسموم
اینها برای زنده ماندن
راهی به جز کشتن ندارند...»
(روایت‌واره بحر عریض، ص۶۶)

او در شعر دیگری از همین مجموعه، شاعران را به پرهیز از پوشیده سخن گفتن دعوت می‌کند و آرزوی روزی را می‌کند که سخنگویان زمانه بی‌واسطه «به بارگاه تکلم حضور یابند»:

«ببین!
چرا باید
به جای آنکه بگویی
زمین
به دست انسان
از آسمان خداوند بمب‌باران شد
دروغ می‌بافی:
تگرگ آمد و دار و درخت ویران شد
چقدر باید با رمز گفت‌وگو بکنیم
اگر درست ببینی
به هیچ وجه شَبه، بی‌گمان نیازی نیست
چرا که درد بشر سوژه سرایش‌ها
و ساحت کلمات
زمین بازی نیست...»
(«روایت‌واره کدام روز بلند» ص۸۲)

این کتاب خط به خط و مصرع به مصرع، درد و دغدغه شاعری است که راه و تریبونی جز شعر نمی‌شناسد و با تمام وجود و دادخواهانه، اعتراض خود را ابراز می‌کند. شاعری که شادی خود را با وجود غم رنجدیدگان همسایه محکوم می‌کند و لحظه عید و تحویل سال را در جوار چنین فجایعی، مرادف با فرارسیدن موسم عزا می‌داند:

«افتاده نعش یاران، بی‌سر به سبزه‌زاران
چون ابر در بهاران، بگذار تا ببارم»
(«غزل‌واره ۳، ص۱۰۲)

از دیگر اشعار این مجموعه می‌توان به ۲ قصیده میهنی اشاره کرد که به قول شاعر کَل‌کَل‌ها و کلمه‌های خطابه‌هایی هستند که در سال ۸۸ سروده شده‌اند. مجموعه «دارم خجالت می‌کشم از اینکه انسانم» در نهایت آیینه‌ای از احساسات انسان‌دوستانه‌ای است که در وجود یک شاعر به غلیان و فوران رسیده است تا جنایاتی را که با نقاب بشردوستانه به جهان تحمیل می‌شوند با ابیاتی محکم، محکوم کند:

«کاخ سیاه و کاخ سفید و... صبور باش!
این قصرها دوباره همان غار می‌شود...»
(غزل قصیده خلیج، ص۱۰۷)

خواندن این مجموعه را به دوستداران شعر نیمایی و شعر بشردوستانه! بشدت توصیه می‌کنم.

کتاب

در مراسم رونمایی از «در زندگی حبیب» مطرح شد

منشأ ادبیات داستانی پس از انقلاب مسجد جوادالائمه است

نویسنده رمان «وقت جنگ دوتارت را کوک کن» گفت: اکنون که سال‌هاست از برگزاری جشنواره‌ای با نام حبیب می‌گذرد، دست‌اندرکاران آن باید کتاب‌هایی درباره این شخصیت خلق کنند زیرا به نظرم رسید این شخصیت می‌تواند اسوه داستان‌نویسان مسلمان باشد. به گزارش فارس، آیین رونمایی از زندگینامه داستانی شهید حبیب غنی‌پور با عنوان «در زندگی حبیب» اثر کامران پارسی‌نژاد در خبرگزاری فارس برگزار شد. گلعلی بابایی نویسنده و پژوهشگر دفاع‌مقدس با اشاره به این کتاب گفت: همه اعتقاد و یقین داریم که هر اثر هنری در ارتباط با یک سوژه دریچه‌ای تازه به روی ما خواهد گشود و کتاب «در زندگی حبیب» از این موضوع مستثنا نیست. وی افزود: کامران پارسی‌نژاد جرأت و جسارت ستودنی دارد که چنین کاری را قبول کرده زیرا نوشتن از زندگی یک هنرمند کار دشواری است. سوژه حبیب سوژه بزرگی است و گفتن از او مصادف با مسجد جوادالائمه است و نمی‌توان از پایگاهی به نام مسجد سخن گفت و از افرادی که در این مسجد رشد کردند حرفی نزد. افرادی که هر کدام امروز هنرمندانی هستند و نقشی را در جامعه فرهنگی برعهده دارند. همچنین در سخن گفتن از حبیب باید به دلبستگی‌های او نیز اشاره کرد و در کنار همه اینها حبیب یک رزمنده نیز هست. یوسف قوجق با اشاره به اینکه شهید حبیب غنی‌پور را از نزدیک ندیده، گفت: وقتی کتاب را خواندم حیفم آمد که چرا با حبیب دمخور نبودم و اصلا چرا با اهالی مسجد رفت و آمد نداشتم. وی افزود: اگر ادبیات داستانی بعد از انقلاب بخواهد بررسی شود و نقش نویسندگان مسلمان مورد کنکاش قرار داده شود نقش شهید حبیب و مسجد جوادالائمه بی‌بدیل است و نمی‌شود کسی بخواهد ادبیات را بررسی کند و به این جریان نپردازد. بسیاری از نویسندگان محصول نگاه فرهنگی مسجدی هستیم. او اضافه کرد: جا دارد اکنون که سال‌هاست از برگزاری جشنواره‌ای با نام حبیب می‌گذرد، دست‌اندرکاران آن کتاب‌هایی درباره این شخصیت خلق کنند زیرا به نظرم رسید این شخصیت می‌تواند اسوه داستان‌نویسان مسلمان باشد. پارسی‌نژاد در این کتاب به نگاه نویسنده نیز پرداخته و خواننده این را در همان ابتدای کتاب در می‌یابد مفاهیم عمیق در شخصیت حبیب گنجانده شده که این موجب شده شخصیت او ژرف‌تر شود. شرفشاهی با اشاره به نوشتن در حوزه جنگ گفت: برخی نویسندگان نوشتن در حوزه جنگ را دست‌کم می‌گیرند که آن به خاطر ورود ناشران دولتی به حوزه دفاع مقدس است که سبب شده نویسنده‌های مسلمان برچسب بخورند که اینها دولتی هستند و سفارشی می‌نویسند در حالی که اوضاع آنها از همه بدتر است. او در پایان گفت: باید برای ترجمه کارهای جنگی تلاش شود و همانطور که شاهکارهای جهان در حوزه جنگ بوده در ایران نیز اینچنین است. کامران پارسی‌نژاد در پایان این مراسم ضمن تشکر از برگزارکنندگان این مراسم، گفت: من باور دارم که شهید غنی‌پور در این جلسه حضور دارد و دوست داشتم دوستانش در این جلسه حضور داشته باشند، زیرا این شهید شخصیت والایی دارد و آرزو داشتم همراهانش مشارکت کنند. پارسی‌نژاد در پایان گفت: بر این باورم سر منشأ ادبیات داستانی پس از انقلاب مسجد جوادالائمه است و حوزه هنری هیچ نقشی ندارد. جا دارد از حبیب فیلم سینمایی ساخته شود؛ در حالی که این همه فیلم در حوزه ساخته شده اما به این هنرمند بسیجی اشاره‌ای نکرده‌اند. در پایان این مراسم از کتاب «در زندگی حبیب» اثر کامران پارسی‌نژاد رونمایی شد.

رویدادها

پخش «دیدار در آشیانه» از شبکه امید

مجموعه مستند «دیدار در آشیانه» با محوریت خاطرات خلبانان دوران دفاع‌مقدس بزودی در شبکه امید پخش می‌شود. به گزارش تسنیم، سلما بابایی کارگردان و تهیه‌کننده مجموعه «دیدار در آشیانه» گفت: این سریال یک مجموعه مستند ترکیبی است که با محوریت نوجوانان و خاطرات خلبانان دوران دفاع مقدس ساخته می‌شود. وی افزود: در قسمت‌های مختلف این مجموعه گروهی از نوجوانان در آشیانه هواپیماهای شکاری و بمب‌افکن و در کنار خلبانانی که در سال‌های دفاع‌مقدس هدایت آنها را برعهده داشته‌اند، قرار می‌گیرند و سوالات خود را از ایشان می‌پرسند و از همین رو است که رنگ و بوی پاسخ‌ها نیز کاملا متناسب با ذهن نوجوان است. کارگردان «دیدار در آشیانه» تاکید کرد: فضای ایجادشده بین خلبانان دفاع‌مقدس و نوجوانان امروز در میان مجموعه‌های تلویزیونی بی‌سابقه است و به‌گونه‌ای است که پیش‌بینی می‌کنیم ارتباط‌گیری رده سنی نوجوان با این برنامه بسیار موفقیت‌آمیز باشد. وی گفت: ضبط ۲۶ قسمت «دیدار در آشیانه» به پایان رسیده و هم‌اکنون در مرحله تدوین و صداگذاری است. بابایی تاکید کرد: مجموعه تلویزیونی «دیدار در آشیانه» به سفارش مرکز اوج کودک و نوجوان و برای پخش در شبکه امید تهیه شده است و بزودی در کنداکتور پخش شبکه قرار خواهد گرفت. مجموعه تلویزیونی «دیدار در آشیانه» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سلما بابایی و ونداد دوشن در شهریور و مهرماه ۱۳۹۵ تولید شده است. سلما بابایی تنها دختر شهید عباس بابایی، فرمانده فقید نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است که از سال ۹۳ فعالیت خود را در صنعت سینما و عرصه کارگردانی آغاز کرده است.

■■■

حمیدرضا آذرنگ:

متفاوت‌ترین نقشم را در فیلم «بیست‌ویک روز بعد» ایفا کرده‌ام

حمیدرضا آذرنگ از اتمام بازی‌اش در فیلم سینمایی «بیست‌ویک روز بعد» به کارگردانی سیدمحمدرضا خردمندان خبر داد. به گزارش مهر، حمیدرضا آذرنگ بازیگر سینما درباره فیلم سینمایی «بیست‌ویک روز بعد» به کارگردانی محمدرضا خرمندان گفت: آنقدر فیلمنامه این کار به نظرم جالب و هیجان‌انگیز آمد که در زمان انتخاب، برای نخستین‌بار میزان نقش برایم در اولویت قرار نداشت. فیلمنامه این فیلم آنقدر خوب بود که دوست داشتم در این کار حتی در نقشی کوتاه حضور داشته باشم و به همین خاطر نقش داریوش را با آغوش باز پذیرفتم. «بیست‌ویک روز بعد» تازه‌ترین محصول سازمان سینمایی حوزه هنری، ملودرامی اجتماعی از قصه زندگی نوجوانی به نام «مرتضی» است که در راه تحقق آرزوی ناکام پدرش، با چالش بسیاری روبه‌رو می‌شود. فیلمنامه این اثر توسط سیدمحمدرضا خردمندان و احسان ثقفی به نگارش درآمده است و بازیگرانی چون ساره بیات، حمیدرضا آذرنگ، امیرحسین صدیق، مهدی قربانی، جلال فاطمی، رضا استادی، سینا رازانی و حسین شریفی در آن نقش‌آفرینی می‌کنند.

■■■

همزمان با چاپ صدم

از جلد دوم «سلام بر ابراهیم» رونمایی می‌شود

دومین جلد کتاب «سلام بر ابراهیم» همزمان با چاپ صدم جلد اول این کتاب منتشر و راهی بازار نشر می‌شود. به گزارش مهر، محسن عمادی، مسؤول گروه شهید ابراهیم هادی، گفت: جلد دوم کتاب «سلام بر ابراهیم» همزمان با چاپ صدم این کتاب منتشر و راهی بازار نشر می‌شود. وی افزود: جلد دوم این کتاب، ادامه خاطراتی است که در جلد اول آن منتشر شده است. تعدادی از خاطرات در جلد اول کتاب چاپ نشدند، دلیلش هم این بود که گروهی از افراد و راوی‌ها را پیدا نکردیم یا در دسترس نبودند، بنابراین تعدادی از مصاحبه‌هایی که بعد از چاپ جلد اول کتاب انجام شد یا کراماتی که بعد از چاپ جلد اول کتاب، از این شهید دیده شدند، برای چاپ در جلد دوم تدوین شدند. مسؤول گروه شهید هادی ادامه داد: در حال حاضر تدوین چند مصاحبه و کرامت دیگر از شهید هادی باقی مانده تا کارهای جلد دوم «سلام بر ابراهیم» به پایان برسد. عمادی گفت: جلد دوم «سلام بر ابراهیم» همزمان با چاپ صدم جلد اول، ۲۲ بهمن امسال مصادف با سالروز شهادت شهید هادی منتشر می‌شود. به این ترتیب با چاپ صدم این کتاب، مجموع شمارگانش به ۵۰۰ هزار نسخه می‌رسد.